

حوادث ۱۹ خرداد

کوتاه از حوادث

✎ تصادف پژو با وانت حامل سوخت در زاهدان منجر به مرگ ۱۱ تبعه مهاجر افغان شد. تصادف خودروی پژو۴۰۵ حامل مهاجران غیرقانونی اتباع افغان با يك دستگاه وانت حامل سوخت، در ده کیلومتری میرجاوه به سمت جون‌آباد رخ داد. پس از حضور نیروهای امدادی در محل، بررسی‌های اولیه نشان داد دو مصدوم حادثه به بیمارستان منتقل و ۱۱ نفر دیگر نیز به دلیل شدت صدمات فوت شده‌اند. علت این تصادف مرکبار از سوی پلیس راهور در دست بررسی است.

✎ آتش نشانان مرد بیماری روحی و مادرش که در میان شعله‌های آتش گرفتار شده بودند را نجات دادند. صبح دیروز وقوع آتش‌سوزی خانه ویلایی در خیابان ۱۸ متری هفتم، منطقه کیان‌آباد شهر اهواز به آتش‌نشانی گزارش شد. زمانی که آتش‌نشنان در محل حاضر شدند معلوم شد مرد ۳۰ ساله‌ای که بیماری روحی داشته، پس از آتش زدن اثاثیه خانه‌شان، در ورودی ساختمان را روی خود و مادرش قفل کرده است. آتش‌نشنان به خاموش کردن شعله‌های آتش پرداختند و بعد از خاموش کردن آتش، توانستند مادر و پسر را نجات دهند.

✎ پسر ۱۲ ساله در رودخانه رامشیر افتاد و به دلیل بلد نبودن شنا غرق شد. این پسر نوجوان همراه چند نفر از دوستان خود برای شنا به رودخانه جراحی حوالی آرماستان صاحب‌الزمان رامشیر رفته بود که هنگام بیرون آمدن از رودخانه، در حفره‌های آبی گیر کرد و غرق شد. غواصان در تلاش برای یافتن جسد او هستند. ✎ امدادگر اورژانس در شهر تبریز هنگام امداد رسانی به يك بیمار درحادثه تصادف فوت شد. وقوع تصادف و واژگونی کامیونی به اورژانس شهر تبریز گزارش شد. نیروهای امدادی اورژانس شهرستان چارواایماق برای نجات مصدوم به آزادراه پیامبر اعظم (ص) اعزام شدند. هنگام كمك امدادگران به مصدوم حادثه، يك تریلر با آمبولانس برخورد کرد و مرگ امدادگر ۲۸ ساله به نام میلاد ایران‌نژاد را رقم زد. بررسی پلیس نشان می‌داد که علت حادثه، بی‌توجهی راننده تریلر به جلو بوده است.

✎ زن و مردی که در پی انتقامگیری شخصی در ورودی خانه فردی را در اکباتان به آتش کشیده بودند، بازداشت شدند. چند روز پیش گزارش وقوع آتش‌سوزی عمدی خانه‌ای به پلیس تهران گزارش شد. زمانی که ماموران در شهرک اکباتان حاضر شدند، مشاهده کردند که در خانه‌ای به آتش کشیده شده است. با حضور آتش‌نشنان، شعله‌های آتش خاموش شد. ماموران زمانی که دوربین‌های مداربسته اطراف محل آتش‌سوزی را بازرایی کردند، متوجه زن و مرد جوانی شدند که با ریختن مواد اشتعال‌زا، اقدام به آتش زدن در خانه شاکي کرده و از محل متواری شده بودند. ماموران از شاکي پرونده تحقیق کردند که مشخص شد او با دو نفر اختلاف مالی داشته و پیش از این از سوی آنها تهدید شده بوده و گمان می‌کند عاملان آتش‌افروزی همین دو نفر باشند. متهمان تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند و سرانجام در خانه‌ای حوالی شهر ملارد بازداشت شدند. در بازرسی از خودروی متهمان مقداری مواد اشتعال‌زا و چند قبضه سلاح سرد کشف شد. آنها بازجویی شدند و اعتراف کردند که به خاطر اختلافی که با شاکي داشته‌اند، در خانه او را به قصد انتقامگیری به آتش کشیده‌اند.



مجروحان در بیمارستان

وی افزود: این افراد پس از درگیری به خارج از تهران‌های یکی از استان‌های شمال غرب

کشور متواری شده بودند که چند روز پیش بازداشت شدند. با دستور قضایی و به منظور شکستن قدرت پوشالی این ارادل و اوباش بازپروژ آنها به محله مشیریه بازگردانده شده و صحنه جرم را بازسازی کردند.

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه



مجروحان در بیمارستان

چگونه است؟

پس از آزادی از زندان نگاه مردم منطقه مان نسبت به من عوض شده است و در صورت بروز کوچک‌ترین اختلافی در طایفه به من مراجعه می‌کنند تا در جهت رفع آن اختلاف اقدام کنم.

✎ از اختلافات طایفه‌ای که به دست تومنجر به صلح

و سازش شده است بگو؟

در یکی از موارد دو نفر جوان از دو طایفه مختلف خواهان ازدواج با دختری از طایفه دیگر بوده و به خواستگاری رفته بودند. در این میان یکی از خواستگراها با دختر فرار می‌کند و او را به طایفه خودشان در سیستان و بلوچستان می‌برد که باعث عصبانیت خانواده خواستگار دیگر می‌شود و آنها خواهان کشتن آن دختر می‌شوند که با اطلاع من و میانجیگری که کردم اختلاف ما بین دو طایفه حل و فصل شد و حتی خودم با رفتن به طایفه‌ای که دختر به آنها برده شده بود کارهای عقد و ازدواج آن دو را انجام دادم.

✎ پس از آزادی از زندان با دوستانی که در گذشته داشتی ارتباط داشته‌ای؟

از زمانی که از زندان آزاد شدم‌ام دیگر با دوستان قبلی‌ام ارتباطی ندارم. به همین خاطر دیگر از موبایل استفاده نمی‌کنم تا آنها به من دسترسی نداشته باشند. ✎

چە شد که از زندان آزاد شدید؟

آزادشدنم از زندان را مدیون لطف خداوند و قرآن خواندن می‌دانم. قرآن خواندن باعث‌شده که خداوند به من کمک کند و در زندان اصلاح شوم. من در زندان با خدا عهد بسته بودم تا زمانی که قرآن را کامل فرا نگرفته‌ام از زندان رها نشوم، تا این‌که اوایل امسال پس از تحمل سه سال حبس، دادگاه تصمیم گرفت چون قتل غیرعمد بوده است، مجازات قصاص را لغو کند و بر اساس شواهد و مدارک موجود رای به آزادی موقت من با قرار وثیقه داد تا حکم قطعی صادر شود.

✎ پس از آزادی تو از زندان چه گذشت؟

پس از آزادی از زندان، همسر من را به قرآن قسم داد که به خاطر او زندگی سالمی داشته باشم. در این مدت سعی کرده‌ام اعضای طایفه‌ام را با قانون آشنا کنم و جلوی اختلافات طایفه‌ای را بگیرم و با همکاری دادستان منطقه چندین مورد اختلاف در طایفه که می‌رفت منجر به درگیری و قتل شود را حل و فصل کرده‌ایم.

✎ برخورد با جناقت با تو چگونه بوده است؟

او همه چیز را به خدا سپرده است و من از شرمندگی توان نگاه کردن در صورت باجناقم را ندارم.

✎ دیدگاه مردم نسبت به فردی که خود زمانی معروف‌ترین شرور منطقه بود و از او می‌ترسیدند

مردم در جریان تحقیقات گفت: اهل یکی از استان‌های غربی کشور

هستم. بارها به اتهام سرقت خودرو، لوازم آن و زورگیری بازداشت و به زندان افتادم. بهمن سال گذشته از زندان آزاد شدم، اما پول و کاری درست نداشتم. سراغ دوست خلافاکار رفتم که تازه آزاد شده و شرخری می‌کرد. می‌گفت برای وصول طلب افراد از ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان نصبیش می‌شود. دو بار همراه او رفتم که ۲۰ میلیون تومان دستمزد گرفتم. آن روز سراغ آمد و خواست برای زنده کردن طلب میلیاردي مردی به تهران برویم تا با گرفتن این پول نفری ۱۰۰ میلیون تومان نصیب مان شود. آمدم تهران و سراغ مرد مورد نظر رفتم که در خانه و کارخانه‌اش نبود.

در مسیر مسافرخانه بودیم که با دیدن شاکي و برق طلاهایش و سوسه شدیم از او سرقت کنیم. او را به عنوان مسافر سوار کرده و بعد از ریودن وی او را به اتوبانی در جنوب تهران بردیم. کتکش زدیم و بعد از آزار و اذیت وی پول، گوشی و طلاهایش را سرقت کردیم.

برای متهم قرار قانونی صادر شد. تحقیقات برای دستگیری همدست فراری‌اش و رازگشایی از دیگر جرایم‌شان در پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

از ارادل و اوباش با دو دستگاه خودروی سواری وارد محله مشیریه شده و در آنجا اقدام به عریضه‌کشی و ایجاد ناامنی کردند، به طوری که باعث رعب و وحشت اهالی و ساکنان محله شده و خواستار برخورد جدی پلیس با این موضوع بودند.

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

که یکی از تیرها به پسر هفت ساله او برخورد کرد و باعث کشته شدن او شد.

✎ چه زمانی دستگیر شدی؟

مدتی فراری بودم تا این‌که بالاخره توسط ماموران بازداشت شدم.

✎ قبل از آن سابقه زندان داشتی؟

من يك بار در نوجوانی به خاطر اختلاف بر سر يك قطعه زمین پدری با عمویم درگیر شده بودم و به خاطر آن درگیری بیش از يك سال زندان رفتم.

✎ از روزهای زندان بگو، چه شد تصمیم گرفتی اصلاح

شوی و به قرآن خواندن و نماز روی بیاوری؟

در زندان عذاب وجدان کشتن آن کودک خردسال لحظه‌ای رهايم نمی‌کرد و دائم به آن فکر می‌کردم. تا این‌که تصمیم گرفتم توبه کنم و به خدا قول دادم که دیگر کارها و شرارت‌های گذشته را تکرار نکنم و اسلحه به دست نگیرم. به همین دلیل تصمیم گرفتم به خواندن قرآن روی بیاورم. من فقط پنج کلاس درس خوانده‌ام و قرآن خواندن بلد نبودم، به همین خاطر توسط يك مربی در زندان قرآن خواندن را یاد گرفتم. من سه ماه شب و روز در زندان قرآن خواندن را تمرین کردم ، پس از گذشت سه ماه از من امتحان گرفتند که بالاترین نمره را در صحیح خواندن قرآن کسب کردم و از آن زمان به بعد تمام روزهای زندان را به خواندن قرآن و نماز گذراندم.

شرور مشیریه در شهر چرخانده شد
رئیس پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ از دستگیری ارادل و اوباش محله مشیریه که به ایجاد ناامنی و اخلال در نظم عمومی اقدام کرده بودند، خبر داد. به گزارش جام‌جم، سردار علی ذوالقدری در حاشیه اجرای بازسازی صحنه جرم از سوی ارادل و اوباش در محله مشیریه، گفت: حدود سه هفته پیش تعدادی

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه

در این باره، سرانجام پرونده به دادگاه